

۴۸
۱۹۸۸-۱۹۹۱

۱۱۱

مانه لریا بن عمر

نایه است که سوار گزهر و قروسی بود، در گونم کرد. رانسی که "هنه شاف" پیوسته سرور منی
و تو در است می گوئی وقتی صمیمیت و دوستی در سخن در میان باشد، هم بخش برکت
و هم بخش. تو در بر آن هم بخش و طفیان من با تو آراش زینا که با سخن تو عشق
زند با منی مانه!

از اینجایی که
ماتوانی که برادر

و اما در رابطه با کار بسیار سود مندی که انجام میدی یعنی سود کنه از زنده گاه
سایران دور از وطن به این مایه سخن به آن نوسید از عهدیان است که در لندن گفت آن
عین گفته است را اگر از منم (که نوسیده) خارج از ایران یا باید آثار بسیار بر حتمه ای
بدیدارند یا قلم را کنار بگذارند. که با این گفته موافق مندم و قسم که یکی است این هم
این کلام یا شایع که موجود است یا به کار نیست. به بر حال گوئید که در هر حال کار
شایعان خارج از ایران یعنی ایرانیان دور از منم، ممکن است بجا دارند است
که اسیرت توفیق باشی. نشانه سببش که است و قهر زنی را خود است از آنکار زنی
به ایران برگشته است و بر اثر آنی که است به نام فریاد من تا سوئی را نوسید. در سواد
مدین کتابی که عینیت مانه است که تو در خانه من با او است شایع که گفت منم
را برایت بفرستد. یا تو موافق که "تربون زنی" چیز خوبی نیست در میان هم کارها
که بگفته منی منم اگر عنوان کتاب "از جدان که بی. «ما را در خطه است (پروان
"تصایب ما کند" و زیز آن "شایعان جدا از ایران" ما خبری نیست به این که صفا
سایه سر زنی و پیشانی بر پیش ما.

این منم که
Grooplan 8
65343 Karlstad
Sweden

در آن مانه این تو بودی در مارک لاله تهران که با آن شای نسی
گفت و گوئی دانسته ای و شو مرا از ز خوانده ای! آن دوست خود منم است
از ایران برگشته و مرا گفت که گنیم کرده است که صفتی منم ترا می خوانم
به لوقان بدیم و الا آن رو بروی من نشسته است. به بر حال خوش بر تو
که سینه مان را دیدی و می بینی با سر بلند یک سحر تو می آید...
مقدار از شوگر شده ماه آخر که خوانده ای منم هر کدام را خودی
چاپ کن، آنها به من بنویس کدام را بر کنی من شو "ما را بگفت"
را که منم زندگی ام است هر چند از لحاظ حجم بلندی است اما در این خطه
میدارند فرستادم. اگر خواهی چاپ کنن زیر نظر تو برام از رسیده است
در است

در است
را